

مجموعه احادیث

(۱)

جمع آوری:

دکتر احمد سیاد

ترجمه و شرح:

عبدالله ریگی احمدی

عنوان کتاب: مجموعه احادیث (۱)
تألیف: دکتر احمد سیاد
ترجمه و شرح: عبدالله ریگی احمدی
موضوع: احادیث نبوی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اردیبهشت (ثور) ۱۳۹۵ - شعبان ۱۴۳۷
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۱..... حدیث اول:
- ۱..... هیچ معبود به حق، جز خدا وجود ندارد.....
- ۲..... حدیث دوم.....
- ۲..... حدیث سوم.....
- ۳..... حدیث چهارم.....
- ۴..... حدیث پنجم.....
- ۵..... حدیث ششم.....
- ۶..... حدیث هفتم.....
- ۷..... حدیث هشتم.....
- ۸..... حدیث نهم.....
- ۹..... حدیث دهم.....
- ۱۰..... حدیث یازدهم.....
- ۱۱..... حدیث دوازدهم.....
- ۱۲..... حدیث سیزدهم.....
- ۱۳..... حدیث چهاردهم.....
- ۱۴..... حدیث پانزدهم.....
- ۱۴..... حدیث شانزدهم.....

- ۱۵..... حدیث هفدهم
- ۱۶..... حدیث هجدهم
- ۱۷..... حدیث نوزدهم
- ۱۹..... حدیث بیستم
- ۱۹..... حدیث بیست و یکم
- ۲۰..... حدیث بیست و دوم
- ۲۱..... حدیث بیست و سوم
- ۲۲..... حدیث بیست و چهارم
- ۲۳..... حدیث بیست و پنجم
- ۲۴..... حدیث بیست و ششم
- ۲۵..... حدیث بیست و هفتم
- ۲۶..... حدیث بیست و هشتم
- ۲۷..... حدیث بیست و نهم
- ۲۸..... حدیث سی ام
- ۲۹..... حدیث سی و یک
- ۳۰..... حدیث سی و دوم
- ۳۱..... حدیث سی و سوم
- ۳۲..... حدیث سی و چهارم
- ۳۳..... حدیث سی و پنجم
- ۳۴..... حدیث سی و ششم
- ۳۵..... حدیث سی و هفتم

۳۶ حدیث سی و هشتم
۳۷ حدیث سی و نهم
۳۷ حدیث چهلم
۳۹ حدیث چهل و یکم
۴۰ حدیث چهل و دوم
۴۰ حدیث چهل و سوم
۴۱ حدیث چهل و چهارم
۴۲ حدیث چهل و پنجم
۴۳ حدیث چهل و ششم
۴۴ حدیث چهل و هفتم
۴۵ حدیث چهل و هشتم
۴۶ حدیث چهل و نهم
۴۷ حدیث پنجاهم

حدیث اول:

۱ - عن عتبان بن مالک رضی اللہ عنہ قال قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ

النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» [صحيح بخارى].

ترجمه: عتبان بن مالک رضی اللہ عنہ از پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم روایت می کند که فرمود: همانا خداوند آتش دوزخ را بر کسی که کلمه «لا إله إلا الله» را به خاطر خشنودی خدا بر زبان بیاورد، حرام ساخته است.

توضیح

لا إله إلا الله، نفی معبودان باطل و اقرار به یگانگی حق تعالی برای پرستش و بزرگترین ذکر خدا به شمار می رود.

هیچ معبود به حقی، جز خدا وجود ندارد

هرکس با نیتی صادق، این کلمات را بر زبان بیاورد، وارد اسلام شده، مسلمان نامیده می شود. او قبلاً کافر بود اکنون مسلمان است. قبلاً دشمن خدا بود؛ ولی اکنون حبیب خدا گشته است. هیچ کلمه ای در ترازوی حسنات انسان، از کلمه لا إله إلا الله سنگین تر نخواهد بود.

تمامی پیامبران الله، کلمه لا إله إلا الله را به عنوان اولین پیام آسمانی برای امت های خویش به ارمغان آورده، چنین گفته اند: «قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا» (لا إله إلا الله بگوئید تا رستگار شوید) یقیناً رستگاری سایر انسان ها و جن ها در هردو جهان، مرهون کلمه است.

بنابراین خداوند آتش دوزخ را بر کسی که از صدق دل، آن را به زبان بیاورد، حرام قرار داده است.

حدیث دوم

۲- عن أبي هريرة رضی اللہ عنہ أن رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم قال: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ» [صحيح مسلم].

ترجمه: أبو هریره رضی اللہ عنہ از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نقل می کند که فرمود: کسی که راهی جهت فراگیری علم در پیش گیرد، خداوند برایش راهی به سوی بهشت هموار می سازد.

توضیح

علم، چراغ روشنی است که انسان در پرتو آن خود را و هم چنین خدای خویش را خواهد شناخت؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸] «از میان بندگان، عالمان از خدا می ترسند».

حدیث سوم

۳- عن معاوية رضی اللہ عنہ قال سمعت النبي صلی اللہ علیہ وسلم يقول: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» [متفق عليه].

ترجمه: از معاویه رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: هرکسی که خداوند برایش خیری بخواهد، فهم و دانش دین نصیبش می کند.

توضیح

این حدیث بیانگر بزرگترین فضایل نسبت به علم و علما می باشد. علم نافع نشان سعادت انسان در دنیا و آخرت است. و کسانی که از علم دین بهرمنند شده اند، خداوند برای آنان خیر بزرگی در نظر گرفته است.

مراد از فقه دین، دانستن اصول ایمان و عبادت و احکام است. طبیعی است که هیچ نعمتی از داشتن علم دین بالاتر نیست. عالم دین در واقع بزرگترین سرمایه و بیشترین گنجینه‌های جهان را در اختیار دارد؛ ولی نباید فراموش کرد که ارزش علم در عمل و ارزش عمل در اخلاص نهفته است. علما باید توجه داشته باشند که مردم چشم به آنها دوخته‌اند و آنان را انسان‌هایی برگزیده و جانشینان پیامبر ﷺ می‌دانند؛ پس می‌طلبند که علما در گفتار و رفتار برای دیگران الگو باشند.

حدیث چهارم

۴- عن أبي موسى رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وآله قال: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» [متفق عليه].
ترجمه: ابو موسی اشعری رضي الله عنه ارشاد رسول خدا صلى الله عليه وآله را نقل می‌کند که فرمود: انسان در قیامت با کسی حشر می‌گردد که با او محبت داشته است.

توضیح

انسان با هرکسی همنشین باشد، کم کم با او صمیمی شده و از او تأثیر می‌پذیرد. اگر با انسان‌های ناباب آمد و شد داشته و با آنان دوستی نماید، طبعاً از آنها به حساب می‌آید. همان‌طور که اگر با نیکان و انسان‌های شایسته سر و کار داشته و مجالست کند، از زمره آنان به حساب می‌رود. بدون تردید همنشینی، نقش سرنوشت‌سازی دارد، به همین سبب خداوند دستور داده با راستگویان و انسان‌های نیک خصلت بنشینیم، تا راستگویی و صلاح آنان در ما اثر نماید.

یکی از خصوصیات رسول اکرم صلى الله عليه وآله این بود که با مساکین و مستضعفان می‌نشست و احوال آنان را جویا می‌شد و پیروانش را نیز به مجالست و هم‌نشینی با مستمندان و مساکین امر می‌کرد؛ زیرا هم‌نشینی با مستضعفان

ضمن دلجویی آنان، به انسان درس تواضع و فروتنی می‌آموزد؛ چنان‌که از هم‌نشینی با مستکبران و زورگویان، در انسان احساس کبر و غرور به وجود می‌آید.

چه بسا انسان‌های سالم که در اثر رفاقت و هم‌نشینی با دوستان ناباب گرفتار اعتیاد شده و یا سرشان بالای دار رفته است. از این‌رو رسول خدا ﷺ فرمود: انسان با هرکسی که محبت داشته باشد، روز قیامت با او در کنار او، حشر می‌شود.

حدیث پنجم

۵- عن أنس بن مالك رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى» [متفق علیه].

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: صبر و شکیبایی در اول مصیبت شایسته است.

توضیح

صبر و شکیبایی از صفات انبیا است. خداوند پشتیبان صابران است و آنان را دوست می‌دارد.

انسان مؤمن هرگاه نعمتی بدست می‌آورد، باید شکر خدا را به جای آورد و هرگاه دچار مصیبتی می‌شود، بر خدا توکل نموده، صبر را پیشه سازد. هر خیر و شر از جانب الله فیصله می‌شود. زندگی بلندی و پستی دارد. روزی انسان را شاد و دارای نعمت می‌بینی و روزی دیگر او را غمگین و بی‌بضاعت می‌یابی. بنابراین انسان باید همواره خود را برای استقبال از هر نوع احتمالی آماده کند.

خداوند ﷺ می فرماید: «ما شما را بوسیله انواع مصیبت‌ها؛ از قبیل: ترس، گرسنگی و نقصان مالی و جانی آزمایش می‌کنیم، و مژده باد صابران را، آنانی که هنگام مصیبت، می‌گویند:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶].
 «ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت».
 و صبر همان به که در اول مصیبت باشد.

حدیث ششم

۶- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: «في كلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ» [متفق عليه].

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: در (خدمت به) هر موجود زنده، پاداشی (مقرر) است.

توضیح

اسلام به رعایت حقوق و ترحم بر مخلوقات تأکید ورزیده است. حقوق همه موجودات اعم از انسان، حیوان و حتی درختان در نظر گرفته شده است.

پیامبر اسلام ﷺ در مورد تغذیه شتران و ترحم بر آنان توصیه نموده است. هم‌چنین فرموده است: هنگام ذبح کردن حیوان کارد را تیز نمائید تا حیوان متحمل رنج بیشتری نشود.

در روایتی فرموده است: زنی پرهیزگار به خاطر بستن گربه‌ای و جان دادن آن در اثر گرسنگی و تشنگی، به دوزخ رفت.

و در جایی می‌فرماید: شخص بدکاری به خاطر آب دادن به سگ تشنه‌ای، مورد مغفرت قرار گرفت.

هم چنین رسول خدا ﷺ اصحاب را از قطع نمودن درختان دشمن در جهاد منع می‌کرد.

از آن‌چه در مورد حقوق حیوانات و درختان نقل شد، به خوبی جایگاه انسان و خصوصاً انسان مسلمان در دین مبین اسلام روشن می‌شود؛ از این رو لازم است که انسان مسلمان نسبت به سایر انسان‌ها ترحم داشته باشد؛ حتی به حیوانات و سایر جانداران غیرمؤدی ترحم نموده از ایدای آنها پرهیز کند؛ البته حیوانات مؤدی از قبیل مار و عقرب را باید بدون شکنجه و تعذیب از بین برد.

لازم به یادآوری است که نگهداری و گرامی داشتن سگ و خوک آن‌طور که امروز در اروپا و کشورهای به اصطلاح متمدن رواج دارد، از نظر اسلام شدیداً نکوهش شده است.

حدیث هفتم

۷- عن حذیفه رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» [متفق علیه].

ترجمه: حذیفه رضی الله عنه از پیامبر خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: هر کار خیر صدقه محسوب می‌شود.

توضیح

برخی می‌پندارند که صدقه کردن فقط با کمک مالی به شخص مستمند، میسر است. در این حدیث، رسول خدا ﷺ این سوءتفاهم را برطرف می‌سازد و میدان صدقه را وسیع‌تر می‌نماید.

رسول خدا ﷺ هر کار نیک و شایسته‌ای را که برای رضای خدا انجام گیرد، جزو صدقه به حساب می‌آورد، فرق نمی‌کند که در آن، مالی انفاق شود یا خیر؛ به عنوان مثال: امر به معروف و نهی از منکر نوعی صدقه و

ایجاد صلح و آشتی میان مردم نوعی صدقه است. بار سنگین کسی را جابه جا کردن نیز صدقه است.

در حدیثی رسول خدا ﷺ فرمود: مردی به خاطر این که شاخه خاردار را از سر راه مردم برداشت، مورد مغفرت خداوند ﷻ قرار گرفت. و شخص دیگری به خاطر آسان گیری و مهلت دادن به بدهکاران، بخشیده شد؛ پس انجام هر کار خیر، توفیقی است از جانب خداوند ﷻ و برای شخص، صدقه محسوب می شود.

حدیث هشتم

۸- عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَمْرٌ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابن عمر رضی الله عنهما از رسول اکرم ﷺ نقل می کند که فرمود: هر چیزی مست کننده (در حکم) شراب است و هر شراب حرام می باشد.

توضیح

عقل و توانایی ملاک تکلیف در اسلام هستند و هر آنچیزی که کوچکترین لطمه‌ای بر این دو نیروی انسانی وارد سازد، از دیدگاه شریعت اسلام حرام و منفور است.

قرآن شراب را چیزی، زشت و پلید می داند و مسلمانان را به شدت از استفاده آن، بر حذر می دارد؛ زیرا تجربه ثابت کرده که آشامیدن شراب، به تدریج عقل و خرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و از بین می برد.

چه بسا شرابخوارانی که پس از نوشیدن شراب، مادر و خواهر خویش را نیز به چشم بیگانه می بینند!

همچنین انواع مواد مخدر و دخانیات نیز در حکم شراب می‌باشند و خرید و فروش و استعمال آنها حرام و ناجایز است.

معروف است می‌گویند: فروش مواد مخدر اشکالی ندارد؛ بلکه استفاده و خوردن یا کشیدن آن ناجایز است! باید گفت که این نوعی تبلیس ابلیس است و بهانه‌ای بیش نیست. چگونه فروش کالایی که صد در صد برای جان و ایمان انسان‌ها مضر است، جایز خواهد بود؟ مگر این همه اعتیاد، خونریزی، گروگان‌گیری و ... در اثر فروش همین دیو پلید نیست؟ استفاده و فروش سیگار، ناس و تنباکو نیز همین حکم را دارد، والله علم.

حدیث نهم

۹- عن حذیفه رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: «لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» [صحیح مسلم].

ترجمه: حذیفه رضی الله عنه ارشاد رسول اکرم ﷺ را نقل می‌کند که فرمود: سخن‌چین وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

سخن‌چینی و تجسس کار شیاطین است. کسانی که دست به چنین اعمالی می‌زنند، در واقع معاونین و همکاران شیطان محسوب می‌شوند. سخن‌چین، آتش بیار معرکه است. سعی می‌کند با نقل سخنان این و آن، بساط جنگ و کینه و خونریزی، راه بیندازد و خود تماشاگر جریان باشد.

سخن‌چینی و دو رنگی نوعی بیماری است که بیماران مبتلا به آن، پس از انجام عمل خویش تشفی حاصل می‌کنند.

مسلمان باید خیرخواه، دلسوز و صلح‌جو باشد. و به عبارتی آتش نشان باشد نه آتش افروز.

بهترین راه برای جلوگیری از این عمل آن است که هرگاه کسی برای شما از دیگران سخن بدی نقل کرد، به جای تقدیر و تشکر، جلوی او را بگیرید و نصیحتش نمایید.

رسول خدا ﷺ، از کنار قبری گذر نمود و فرمود: صاحب این قبر به خاطر سخن چینی عذاب می‌بیند.

حدیث دهم

۱۰- عن جبير بن مطعم رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: «لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ» [صحيح مسلم].

ترجمه: از حبیبر مطعم رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: کسی که با خویشاوندان قطع رابطه کند، وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

اسلام در مورد محبت، برادری و صله‌ی رحم تأکید فراوانی نموده است. صله رحمی با خویشاوندان فرض است. انسان باید همواره احوال خویشاوندان خود را جويا باشد، به آنان سر بزند و در شادی و غم ایشان شریک بشود؛ چراکه صله‌ی رحم باعث شادی روان، فراخی رزق و افزایش عمر می‌گردد.

امروز متأسفانه با پیشرفت بشر در زمینه مادیات، معنویات از جمله صله رحم از بین رفته است، متأسفانه با وجود تأکیدات فراوان شرع مبین اسلام، در جوامع اسلامی نیز به این مسئله اهمیت داده نمی‌شود.

در کشورهای غربی، رابطه خویشاوندی بسیار کم‌رنگ شده است، حتی بستگان درجه یک، با یکدیگر هم‌چون بیگانگان برخورد می‌نمایند. و پس از این‌که پدر و مادر به سن کهولت می‌رسند، آنها را تحویل آسایشگاه‌ها

می‌دهند و دیگر به آنان سر نمی‌زنند. چه خوب بود مسلمانان در این گونه مسایل از غرب پیروی نمی‌کردند، بلکه طبق دستور خدا و پیامبر، برای بقا و احیای این گونه سنت‌های حسنه سعی می‌نمودند.

حدیث یازدهم

۱۱- عن عائشة رضي الله عنها عن النبي ﷺ: «أَبْغَضُ الرَّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَكْذُ الْخَصِمُ» [متفق عليه].

ترجمه: عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: مبعوض‌ترین انسان نزد خدا، ستیزه‌جوی لجوج است.

توضیح

انصاف، فروتنی و گذشت از جمله صفات برگزیده‌ای می‌باشند که خداوند آنها را دوست می‌دارد، و ظلم، کینه‌توزی و خشونت صفات ناپسندیده‌ای هستند که شخص دارای این صفات نزد خداوند ﷻ منفور است.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که ستیز و جدل را رها کند در حالی که حق با او است، خداوند ﷻ برایش کاخی در بهشت خواهد ساخت.

هم‌چنین نقل است که: خداوند ﷻ به کسی که با وجود توانایی، گذشت کند و انتقام نگیرد، روز قیامت خواهد گفت: از میان حوران بهشتی به دلخواه خود انتخاب کن.

برخی از مردم، گویی برای خصومت و جدال آفریده شده‌اند. هر روز با یکی گلاویز می‌شوند، با همسایه و شریک خود دایم مجادله می‌کنند. جز برخورد بی‌رحمانه و خشونت‌آمیز، عاید دیگری ندارند. اگر برادر مسلمانی نزد آنان دچار مشکلی بشود، دوست ندارند آن‌را به راحتی حل کنند. رسول

خدا ﷺ فرمود: نرمی و عطوفت، کارها را زیبا و تندی و خشونت کارها را زشت می‌نماید.

حدیث دوازدهم

۱۲- عن جابر بن عبد الله رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» [صحيح مسلم].

ترجمه: جابر رضی الله عنه می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: مرز میان انسان و شرک و کفر، نماز است.

توضیح

نماز یکی از پایه‌های مهم دین اسلام است. انسان مسلمان به وسیله نماز، روزانه پنج بار با خدای خویش ملاقات نموده و با او مناجات و تجدید عهد می‌نماید. نماز به روح انسان آرامش می‌بخشد و قلب را شستشو می‌دهد. ترک نماز بدون عذر گناه بزرگی می‌باشد.

با توجه به اهمیت نماز، باید در خواندن و ادای آن بسیار دقت کرد. اعتدال و حفظ آرامش از شرایط نماز می‌باشند و سرعت عمل و شتاب در ادای ارکان نماز، مانع خشوع و خضوع گشته، میزان مقبولیت نماز را پایین می‌آورد. از رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود: هرکس به مسجد، آمد و شد دارد، گواه باشید که او مسلمان است. از مفهوم مخالف حدیث چنین به نظر می‌رسد که، نباید برای کسی که به مسجد رفت و آمد ندارد، گواهی داد که مسلمان است. به هر حال خواندن نماز، نشانه ایمان و نخواندن آن، نشانه عدم ایمان است.

حدیث سیزدهم

۱۳- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أن نبي صلى الله عليه وآله قال: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةَ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» [سنن ترمذی].

ترجمه: از ابو سعید خدری رضي الله عنه روایت است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بالاترین نوع جهاد، گفتن سخن حق در برابر پادشاه ستمگر است.

توضیح

مردان خدا همیشه جان بر کف و آماده‌اند تا در نبرد حق علیه باطل، جان، مال و همه چیز خود را برای خدا و در راه خدا فدا کنند. جهاد و مبارزه برای سربلندی اسلام امری است ضروری؛ زیرا که انسان‌های قلدر و ستمگر همواره در تلاش‌اند که بندگان خدا را از بندگی خدا به بندگی خود بکشانند، اموال‌شان را تاراج کنند و آبرو و حیثیت آنان را به یغما ببرند.

بنابراین در طول تاریخ بشر، همواره انسان‌های مجاهد و آزاده‌ای علیه زورگویان و ستمگران برخاسته، پرچم عدل و انصاف و حق‌پرستی را بر فراز قله‌های جهان برافراشته‌اند.

از آنجا که بزرگترین ظلم، شرک به خداوند است، یقیناً بزرگ‌ترین انصاف توحید است، که پیام‌آوران الهی حامل آن بوده‌اند. کلمه جهاد بر هر کوشش مخلصانه‌ای که برای پیشرفت دین خدا انجام گیرد، اطلاق می‌شود، که مهم‌ترین آنها گفتن سخن حق در برابر حاکم ستمگر است.

حدیث چهاردهم

۱۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» [متفق عليه].

ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه ارشاد رسول اکرم ﷺ را نقل می کند که فرمود: هرکس مصیبتی از مصایب دنیا را از انسان مؤمنی برطرف نماید، خداوند ﷻ در پاداش آن، مصیبتی از مصایب قیامت را از او برطرف خواهد کرد.

توضیح

مسلمان واقعی آن است که همواره به فکر دیگر برادران مسلمان خود باشد، نه این که همیشه برای خود بیندیشد و رفاه خود را در نظر داشته باشد.

کسی که در فکر حل نمودن مشکلات دیگران باشد، یقیناً خداوند به فکر حل مشکلات او خواهد بود. اگر برادر مسلمان خود را دیدی که دچار مصیبتی شده؛ به عنوان مثال: مقروض شده یا بیمار است، بیدرنگ به کمکش بشتاب؛ چنان که یکی از حکمت‌های خواندن نمازهای جماعت نیز همین است که مسلمانان از حال یکدیگر اطلاع یافته، به یکدیگر کمک نمایند.

امروز متأسفانه مادیات و زندگی ماشینی به گونه‌ای بر قلب و روان مردم مسلط شده است که هیچ کس جز برای خود و خانواده خویش نمی‌اندیشد. چه بسا مسلمانان مقروض، مصیبت‌زده و تهی دستی که کسی را نمی‌یابند تا مشکل خود را با آنان در میان بگذارند.

در حدیثی آمده است که: خداوند شخصی را فقط به خاطر این که دستور داده بود تا بدهکارانش فرصت بدهند، مورد عفو و بخشش قرار داد.

حدیث پانزدهم

۱۵- عن عثمان رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و به دیگران تعلیم دهد.

توضیح

قرآن آخرین و بهترین پیام آسمانی است که به وسیله جبرئیل علیه السلام بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل گردید. از آنجا که قرآن بهترین کتاب آسمانی و حامل آن، محمد صلی الله علیه و آله، بهترین انسان روی زمین است، طبعاً کسانی که قرآن را فراگیرند و به دیگران بیاموزانند، آنها نیز بهترین انسان‌های زمان خویش محسوب می‌شوند.

در حدیثی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت به صاحب قرآن گفته می‌شود: تلاوت کن و بر درجه‌های بهشت، بالا رو، جایگاهت نزد آخرین آیه‌ای خواهد بود که تلاوت می‌کنی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در مقابل هر حرفی که از قرآن تلاوت شود، ده نیکی می‌رسد.

پس بر تک‌تک مسلمانان است که قرآن را فرا گرفته، روزانه بخشی از آن را تلاوت کنند و در صورت امکان به دیگران نیز تعلیم دهند.

حدیث شانزدهم

۱۶- عن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فِسْقٌ وَقَتَالُهُ كُفْرٌ» [متفق علیه].

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دشنام دادن مسلمان فسق و جنگ با او کفر (محسوب) است.

توضیح

انسان مسلمان نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. ارزش مسلمان به خاطر ایمانی که در قلب دارد، می‌باشد.

مؤمن دوست و ولی خداوند است. خداوند می‌فرماید: هرکس با دوست و ولی من دشمنی بورزد، خود را برای مبارزه با من آماده کند.

از این رو نباید مسلمان در پی آبروریزی و تحقیر برادر مسلمان خویش برآید و یا علیه او اسلحه به دست گیرد و بجنگد، بلکه باید مسلمانان از هر نژاد و رنگی که هستند، دست به دست هم داده، در کنار هم برای مبارزه علیه باطل و جهاد با کفار آماده شوند.

ما امروزه متأسفانه شاهد جنگ‌های داخلی فراوانی بین قبایل مختلف هستیم که هیچ‌کدام از آنها برای خدا و در راه خدا نیست، بلکه به خاطر حمایت از قوم و فامیل خویش است. این‌گونه جنگ‌ها از نظر اسلام، جاهلی است و منجر به کفر تلقی می‌شود.

اگر کسی جنگ با مسلمانان را حلال و جایز بداند، کفر کرده است، اما اگر حلال نداند، در این صورت کلمه کفر به معنی کفران نعمت و عدم توجه به اخوت اسلامی است. والله اعلم

حدیث هفدهم

۱۷- عن عمر ابی سلمة رضی الله عنه قال: قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله: «يَا غُلَامُ! سَمَّ اللّٰهَ وَكُلُّ بَيْمِينِكَ وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ» [متفق عليه].

ترجمه: عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه می گوید، رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به من چنین فرمود: ای پسرک! به نام خدا و با دست راست و از پیش خود غذا بخور.

توضیح

باید دانست که اسلام دینی است اجتماعی و منظم، که پیروانش را همواره به رعایت آداب در همه چیز امر نموده است.

در حدیث فوق، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در کلماتی مختصر، مهم‌ترین آداب غذا خوردن را به امتش آموخت. بنابراین هنگام غذا خوردن باید دست‌ها تمیز باشد، بسم الله گفته شود، لقمه با دست راست برداشته شود. و اگر چند نفر در کنار هم غذا می‌خورند، ضمن رعایت حال یکدیگر، هر یک از پیش خود غذا بخورند، لقمه‌ها متوسط باشد و در اثنای خوردن غذا، حرکتی که باعث آزرده‌گی خاطر همراهان بشود، انجام نگیرد.

هم‌چنین باید از پرخوری پرهیز نمود و شکم را به سه حصه تقسیم کرد: بخشی برای غذا، بخشی برای آب و بخشی برای تنفس. اگر واقعاً ما هنگام غذا خوردن موارد فوق را رعایت کنیم، هیچ‌گاه دچار بیماری‌های گوارشی نخواهیم شد.

حدیث هجدهم

۱۸- عن أنس بن مالك رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَسِّرُوا

وَلَا تُنْفِرُوا» [صحيح بخاری].

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید، مزده دهید و بیزار نکنید.

توضیح

برخی می‌پندارند که اسلام دین خشونت و سخت‌گیری است، باید گفت که اگر قرار باشد انسان، آزاد از همه چیز و مطابق خواهش‌های نفسانی خویش زندگی را به سر کند، آن‌گاه درست است که اسلام سخت‌گیر است، زیرا محدودیت‌هایی در دین مبین اسلام، به خاطر جلب منفعت و دفع ضرر از انسان، وجود دارد که با خواهش‌های انسان‌ها کاملاً مطابقت ندارد.

اما اگر دین اسلام را در مقابل سایر ادیان و دیگر قوانین ساختگی قرار بدهیم، متوجه خواهیم شد که اسلام سراسر آزادی و آسانی و به دور از خشونت است. در حدیث آمده است که: شخصی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: من به خاطر این‌که امام مسجد، قرائت نماز را طولانی می‌کند، نمی‌توانم در نماز جماعت شرکت کنم. رسول خدا ﷺ اصحاب را در مسجد گرد آورد و به موعظه پرداخت و با عصبانیت گفت: چرا بعضی از شما، مردم را از عبادت خدا بیزار می‌کنید؟ و افزود: به هنگام امامت نماز، رعایت حال ضعیفان، حاجتمندان و مریضان را بکنید. پس می‌طلبید داعیان به سوی اسلام، با استفاده از حکمت و بصیرت، عموم مردم و خصوصاً قشر جوان را برای عمل نمودن به احکام اسلام تشویق و آماده سازند. و نباید با سخت‌گیری و حساسیت بی‌جا، عرصه را بر جوانان تنگ کرده، آنان را از دین و ایمان فراری دهند.

حدیث نوزدهم

۱۹- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «يَمِينُكَ عَلَى مَا يُصَدِّقُكَ

عَلَيْهِ صَاحِبُكَ» [صحيح مسلم].

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند تو بر آن چیزی خواهد بود که طرف مقابل از تو باور کند.

توضیح

در قلب انسان مؤمن، عظمت نام خدا به عنوان نمادی از ایمان و اعتقاد به خدا وجود دارد، به طوری که انسان مسلمان حاضر می‌شود همه چیز خود را از دست بدهد؛ ولی این عظمت را هم‌چنان حفظ نماید. طبیعی است که مسلمان عمداً و به ناحق نام خدا را نادیده نمی‌گیرد و از آن رد نمی‌شود. بنابراین سوگند به نام خدا در شریعت اسلام برای احقاق حق در نظر گرفته شده است. قابل ذکر است که در برخی از قبایل به جای سوگند به نام خدا، روش‌های دیگری از قبیل داغ دادن روغن، افروختن آتش و دم زدن لقمه مرسوم است، باید گفت که هیچ یک از این روش‌ها، اسلامی و شرعی نبوده و حجت نیست و نباید متهم را به این‌گونه سوگندها مجبور ساخت و هم‌چنین نباید متهم، حاضر به تحمل این سوگندهای جاهلی بشود؛ زیرا اعمال نمودن این روش‌ها بیانگر ضعیف بودن ایمان کسانی است که دست به این روش‌ها می‌زنند.

بعضی از مردم، هنگام سوگند خوردن، به گمان خود زرنگی به خرج داده از کلمات مشترک المعنی استفاده می‌کنند، تا هم طرف مقابل را قانع سازند و هم از گزند سوگند، محفوظ بمانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث، خطاب به چنین کسانی فرمود: سوگند شما مطابق نیت کسی خواهد بود که شما را سوگند می‌دهد، نه مطابق نیت شما.

حدیث بیستم

۲۰- عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ - قالها ثلاثا» [صحیح مسلم].

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: نابود شوند کسانی که با تکلف (از ته حلق) سخن می گویند، ایشان سه مرتبه این جمله را تکرار کرد.

توضیح

ساده زیستن و ساده سخن گفتن از صفات پیامبر خدا ﷺ به شمار می آیند. خداوند ﷻ در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید:

﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ [ص: ۸۶].

«بگو که من (پیامبر) اهل تکلف نیستم».

هم چنین روزی شخصی با رسول خدا ﷺ سخن می گفت، ایشان ﷺ متوجه شد که او با ترس و دلهره سخن می گوید، لذا فرمود: چرا می ترسی؟ من فرزند زنی هستم که گوشت خشک می خورد.

برخی از مردم سعی می کنند، هنگام سخن گفتن از حالت و صدای عادی خویش بیرون رفته، با تکلف، سخن بگویند، خداوند ﷻ این عمل را نمی پسندد و رسول خدا ﷺ به شدت آن را نکوهش نموده است.

حدیث بیست و یکم

۲۱- عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَنْكِبِي فَقَالَ:

«كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بر شانهم گذاشت و فرمود: در دنیا هم چون غریبه و یا رهگذر زندگی کن.

توضیح

انسان، رهگذری است که از عالم ارواح به راه افتاده و پس از طی سفری نسبتاً طولانی، سرانجام به منزل مقصود خواهد رسید؛ ولی در اثنای این سفر، مدتی در عالم ارواح، سپس در شکم مادر و بعد از آن در دنیا، سپس در عالم برزخ و میدان محشر بوده و پس از آن بر اساس عملکرد خویش یا برای همیشه به بهشت و یا این که به دوزخ خواهد رفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا زندان مسلمان و بهشت کافر است. انسان مسلمان زندگی دنیا را به عنوان مقدمه‌ای برای زندگی جاودان پس از مرگ می‌داند و به جای گسترانیدن بساط لهو و لعب، مشغول توشه‌برداری برای فردای خویش می‌شود.

اما انسان کافر، دنیا را جولانگاه بزرگی برای برآورده نمودن سایر آرزوهای خویش می‌پندارد و چنان به ساخت و ساز آن می‌پردازد که گویی آخرتی در کار نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با آوردن مثال زیبایی فرمود: در دنیا هم چون غریبه و یا رهگذر زندگی کن. ابن عمر رضی الله عنهما می‌فرمَد: وقتی صبح کردی، منتظر شام باش و چون شب کردی، منتظر صبح باش و از صحت خویش برای روزهای بیماری و از حیات خویش برای روزهای پس از مرگ، توشه بگیر.

حدیث بیست و دوم

۲۲- عن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ

بِكُلِّ مَا سَمِعَ» [صحيح مسلم].

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای دروغگو بودن فرد کافی است که هر آن چه را می شنود (بدون تحقیق) برای دیگران بازگو کند.

توضیح

دروغگو دشمن خدا است. و کسی که سخنان دیگران را، بدون تحقیق، منتقل می کند نیز دروغگو است.

وقتی کسی سخنی را با شما در میان می گذارد، در واقع امانتی را به شما می سپارد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سخن مجلس، امانت به شمار می رود.

برخی عادت کرده اند هر چه را می شنوند، فوراً انعکاس می دهند، سرانجام مشخص می گردد که آن خبر، دروغی بیش نبوده است. خداوند تعالی می فرماید: هرگاه فاسقی به شما خبری رساند، تحقیق و بررسی کنید (و ببینید که سخنش راست است یا دروغ).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردم در نتیجه گفتار خویش، وارونه به دوزخ می افتند، پس باید مواظب بود و زبان خود را جز در موارد خیر به کار نبست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، یا سخن نیک بر زبان بیاورد و یا ساکت بنشیند.

حدیث بیست و سوم

۲۳- عن ابن عباس رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «لَا يَحْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ یک از شما با زن بیگانه‌ای در غیر حضور محرمش به خلوت ننشینند.

توضیح

اسلام به مرد و زن دستور می‌دهد که از چشم‌چرانی و نگاه‌های شهوت‌آمیز به یکدیگر خودداری نمایند و ناموس خویش را محفوظ بدارند، بنابراین تمام بدن یک زن (جز دست و قرص چهره‌اش) عورت است و هم‌نشینی و سفر نمودن زن با مرد بیگانه حرام و ناجایز است.

هدف از مرد بیگانه، هر آن مردی است که از دیدگاه شرع، محرم آن زن به حساب نمی‌آید و روزی نکاح وی با آن صحیح خواهد بود.

امروز متأسفانه بسیاری از زنان و دختران مسلمان، بستگان نزدیک و چه بسا دور را محرم خویش تصور می‌کنند، به عنوان مثال با پسرعمو، پسرخاله و برادر شوهر، راحت هستند، در حالی که این‌ها محرم که هیچ، بلکه بدترین نامحرم‌ها هستند.

اسلام زن را جوهری گران‌قیمت می‌داند که باید از دسترس غارتگران حیا و عفت، بدور ماند.

حدیث بیست و چهارم

۲۴- عن عائشة رضي الله عنها قالت قال النبي صلی الله علیه و آله «لا تَسْبُوا الْأُمَوَاتَ فَإِنَّهُنَّ قَدْ أَفْضُوا إِلَى مَا قَدَّمُوا» [صحیح بخاری].

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به مردگان (و گذشتگان) ناسزا نگوئید؛ زیرا آنها به سوی اعمالی که پیش فرستاده‌اند، رخت بسته‌اند.

توضیح

ناسزاگویی، غیبت و دشنام دادن از بزرگترین و زشت‌ترین گناهانند، به ویژه بد گفتن به مردگان گناه بزرگی است، به خاطر این‌که انسان وقتی از کسی که در قید حیات است، غیبت کند و یا او را ناسزا گوید، ممکن است روزی از او معذرت‌خواهی نماید، ولی در مورد مردگان چنین فرصتی میسر نیست؛ بنابراین کسی که به مردگان ناسزا می‌گوید، هم‌زمان دو جرم مرتکب شده است: یکی بد گفتن و دیگری به فکر معذرت خواهی نبودن.

مرده چه مسلمان باشد چه کافر نباید به او ناسزا گفت؛ زیرا مردگان به کیفر کردار نیک و بد خویش رسیده‌اند، از این‌رو باید زندگان در حق آنها دعای خیر کنند و از آنان به نیکی یاد نمایند.

حدیث بیست و پنجم

۲۵- عن أبي الدرداء رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: «لَا يَكُونُ اللَّعَّانُونَ شُفَعَاءَ

وَلَا شُهَدَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابودرداء رضی اللہ عنہ می‌گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: نفرین‌کنندگان، نه در قیامت شفاعت‌کننده خواهند بود و نه از آنان به عنوان گواه، استفاده می‌شود.

توضیح

بی‌تردید، زبان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که به انسان عنایت گردیده تا در زندگی اجتماعی به وسیله آن بتواند خواسته‌ها، پیشنهادها، درد دل‌های خویش را با دیگران در میان بگذارد. ارزش واقعی این قطعه گوشت گویا را، کسی می‌داند که از آن محروم است.

اینک باید قدری فکر کرد که چرا خداوند این نعمت بزرگ را در اختیار انسان نهاده است. آیا ما توانسته‌ایم از آن، مطابق دستور خدا استفاده کنیم؟

یقیناً خداوند زبان را در اختیار ما نهاده تا ما آن را در ضروریات و دیگر امور خیر، مانند ذکر خدا و تلاوت قرآن و ایجاد صلح و آشتی بین مسلمانان، به کار بندیم، نه برای افروختن آتش جنگ و دشمنی و نفرین و ناسزاگویی. متأسفانه برخی عادت به ناسزاگویی و نفرین دارند، زبانشان همواره هم چون نیش عقرب باعث اذیت و آزار همسایگان و خویشاوندان می‌شود. خداوند چنین انسان‌های بد دهن و نفرین‌کننده را دوست ندارد و روز قیامت جایی که دیگر مؤمنان حق شفاعت دارند و از آنان به عنوان گواه استفاده می‌شود، اینان نه حق شفاعت دارند و نه از آنان گواهی خواسته می‌شود.

حدیث بیست و ششم

۲۶- عن أبي هريرة رضی اللہ عنہ عن النبي صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم أنه قال: «لَا يُلَدِّغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ» [متفق عليه].

ترجمه: از ابو هریره رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

توضیح

انسان مؤمن همواره در زندگی، با حکمت و بینش خدادادی پیش می‌رود. در کارهایش از مشاوره و استخاره استفاده می‌کند؛ زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرموده‌اند: کسی که استخاره کند، زیان نمی‌بیند و کسی که مشورت نماید، پشیمان نمی‌گردد.

هرکس تضمین نماید که احکام و دستورات خداوند را رعایت کند، خداوند تضمین می‌کند که از او حفاظت به عمل آورد؛ چنان که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌فرماید: «أَحْفَظُ اللَّهَ يَحْفَظُكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَحْدَهُ تُجَاهَكَ». شاید انسان

مؤمن گاهی بر اثر غفلت، چه در امور دین و چه در امور دنیا، دچار نقصان شود، ولی هرگز دوباره گرفتار همان نقصان نخواهد شد.

البته این در مورد انسان مؤمنی است که واقعاً پایبند به دستورات خدا بوده، زندگی اخروی را نصب العین خویش قرار داده باشد، نه این که فقط نامش مسلمان باشد و با نادیده گرفتن دستورات خدا، ناسنجیده دست به هر اقدامی بزند، آن گاه ممکن است از یک سوراخ چندین بار گزیده شود، والله اعلم.

حدیث بیست و هفتم

۲۷- عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: إني سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةً بِغَيْرِ طُهُورٍ، وَلَا صَدَقَةً مِنْ غُلُولٍ» [صحيح مسلم].

ترجمه: ابن عمر رضی اللہ عنہما می گوید: من از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که فرمود: خداوند عز و جل نماز بدون طهارت و صدقه کردن از مال دزدی را نمی پذیرد.

توضیح

هر عبادتی دارای شرایطی است که اگر مطابق آن شرایط انجام گیرد، مقبول و در غیر آن صورت، مردود و باطل است. برای صحت نماز نیز شرط است که شخص از جنابت و بی وضو بودن پاک بوده، لباسها و زمینی که در آن نماز می خواند نیز پاک و تمیز باشد. همچنین کسی که صدقه ای در راه خدا می دهد باید از دسترنج خود و از کسب حلال باشد.

برخی، از راههای حرام و نامشروع، مال بدست می آورند و از آن در راه خدا انفاق می کنند، باید گفت که چنین صدقه و انفاقی، نزد خدا پذیرفته نیست؛ زیرا خداوند پاک است و فقط مال پاک را می پذیرد.

عده‌ای از راه فروش مواد مخدر و با ریختن خون و از بین بردن آبرو و ناموس مردم، به سرمایه‌های هنگفتی دست می‌یابند، آن‌گاه اقدام به ساخت مسجد، رفتن به سفر حج و عمره و صدقه دادن می‌کنند، باید گفت که هیچ‌گونه اجر و پاداشی برای این افراد وجود ندارد و در مقابل این معاملات ناجایز، بازخواست خواهند شد.

حدیث بیست و هشتم

۲۸- عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ» [صحيح مسلم].

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می‌گوید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: نماز به هنگام حاضر شدن غذا و هم‌چنین وقتی که انسان تحت فشار بول و غائط قرار دارد، درست نیست.

توضیح

انسان در نماز با خدای خویش ملاقات می‌نماید و مستقیماً با وی به گفتگو می‌نشیند، از این‌رو نماز در میان سایر عبادت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و پس از توحید دومین رکن مهم اسلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را مرز میان کفر و اسلام معرفی کرده است. انسان باید هنگام نماز، خود را از سایر وابستگی‌ها برهاند و با یک‌سویی کامل رو به خدا آورد؛ پس اگر به وقت نماز، غذا حاضر بود، نخست باید غذا میل کرده، سپس به نماز بایستد، تا با خاطری آرام و مطمئن نماز را به جای آورد.

هم‌چنین نباید انسان در حالی که از ناحیه وضو تحت فشار قرار دارد برای نماز بایستد، زیرا در چنین حالی، خشوع و آرامش مطلوب را از دست می‌دهد؛ پس بهتر است که شخص قبل از فرا رسیدن وقت نماز، خود را

آماده سازد، غذا بخورد، تجدید وضو نماید، آن گاه با خاطری آسوده به ملاقات پروردگار خویش برود.

حدیث بیست و نهم

۲۹- عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «الْحَرْبُ خِدْعَةٌ» [متفق علیه].

ترجمه: جابر رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می کند که فرمود: جنگ نیرنگ است.

توضیح

اسلام با جنگ، خشونت و خونریزی مخالف است؛ ولی نباید فراموش کرد که رسالت اسلام، پیاده نمودن توحید و از بین بردن شرک و کفر از سرزمین خدا است، برای این منظور خداوند پیامبران را می فرستاد، آنها خواسته های خدا را به مردم ابلاغ می کردند، کسانی که می پذیرفتند، مؤمن شده، در دایره اسلام در می آمدند و کسانی که نمی پذیرفتند، از آنها مبلغ ناچیزی به عنوان جزیه وصول می شد، تا در سایه حکومت اسلامی زیسته، نتوانند برای اسلام و مسلمانان مزاحمت ایجاد نمایند، و اگر جزیه نمی دادند در آن صورت با آنان مبارزه مسلحانه «جهاد» انجام می گرفت، گاهی هم جنگ های اسلامی جنبه دفاعی داشته است، به هر حال، اسلام خود را موظف می داند که علیه کفر و شرک و بیداد، قیام کند و به هر ترتیبی که شده به آن خاتمه بخشد. بزرگ ترین ظلم در دنیا شرک به خداوند است؛ زیرا به وسیله شرک، انسان به ولی نعمت خویش کفر می ورزد. و اغلب جهادهای پیامبر ﷺ به خاطر از بین بردن شرک و بت پرستی بوده است.

در حدیث فوق، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: جنگ نوعی حيله است؛ یعنی در تاکتیک جنگی می‌توان از حيله کار گرفت و دشمن را غافل گیر ساخت. والله اعلم.

حدیث سی‌ام

۳۰- عن أبي مرثد الغنوي رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا» [صحيح مسلم].

ترجمه: ابو مرثد غنوی رضي الله عنه می‌گوید: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: به سوی قبرها نماز نگزارید و بر آنها ننشینید.

توضیح

قبر از نظری آخرین و از نظری، نخستین منزل انسان است. قبر یا روزنه‌ای است به سوی بهشت و یا دریچه‌ای به سوی دوزخ. کسی که از دنیا رحلت می‌کند و به درون قبر قدم می‌گذارد، ارتباطش با دنیا قطع می‌گردد، نه زندگان به او دسترسی دارند و نه او به زندگان دسترسی خواهد داشت، نه این‌ها از احوال او باخبرند و نه او از احوال دنیا اطلاع دارد.

برخی متأسفانه قدم فراتر نهاده، معتقداند نه تنها مردگان سخنان ما را می‌شنوند، بلکه می‌توانند به ما کمک کنند. به همین جهت قبرهای برخی از بزرگان را مجلل می‌سازند و حریم آنها را هم‌چون حرم خانه الهی، مقدس می‌دانند و چه بسا دست به دامان می‌شوند و فراتر از این، عده‌ای گرد ضریح می‌گردند و به سجده می‌افتند. باید گفت که با توجه به حساسیتی که در دین مبین اسلام نسبت به مسایل توحیدی وجود دارد، این‌گونه اعمال، غیرشرعی بوده و با توحید هم‌خوانی ندارد.

حدیث سی و یک

۳۱- عن أنس رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال: «لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسیه» [صحیح بخاری].

ترجمه: از انس رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: هیچ یک از شما مؤمن واقعی نخواهد بود تا آن که دوست داشته باشد برای برادر خویش آن چه را برای خود دوست می دارد و می پسندد.

توضیح

در اسلام اصلی تحت این عنوان وجود دارد که: «هرچه برای خود می پسندی برای دیگران بپسند» (البته امور خیر و شرعی نه چیزهای نامشروع) اگر بشر همین اصل را مورد توجه قرار داده و رعایت بکند، به جرأت می توان گفت به همه نابسامانی ها و خونریزی های سرتاسر دنیا، خاتمه داده خواهد شد.

ولی متأسفانه این طور نیست، بلکه اغلب مردم دوست ندارند و تلاش نمی کنند که دیگران از خیری که شامل حال آنان شده است، برخوردار گردند، هم چنین آن چه را برای خود، ضرر تشخیص می دهند، سعی نمی کنند که دیگران نیز از گزند آن محفوظ بمانند.

از این رو ما در جوامع مختلف بشری، شاهد، دروغ گویی، دورویی، کلاه برداری، دزدی و انواع حق کشی هستیم.

رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم در جایی دیگر در مورد انسان مؤمن، می فرماید: نه فریب می خورد و نه فریب می دهد.

پس اگر ما دوست نداریم که به جان، مال و آبروی ما تعرضی صورت گیرد، نباید زمینه تعرض به جان، مال و آبروی برادر مسلمان خویش را فراهم کنیم.

حدیث سی و دوم

۳۲- عن علي عليه السلام أن النبي صلى الله عليه وآله قال: «الطَّاعَةُ فِي مَعْصِيَةِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ» [متفق عليه].

ترجمه: از علی ابن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: فرمانبرداری از کسی در معصیت خدا جایز نیست، بلکه فرمانبرداری فقط در کار نیک، شایسته است.

توضیح

در آیات و روایات متعدد، انسان به اطاعت از امیر و ریش سفید و هم‌چنین زنان به اطاعت از شوهران خویش امر شده‌اند. در این حدیث، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله اطاعت از مخلوق را مشروط می‌گرداند به این‌که با ترک واجب یا ارتکاب معصیتی، منجر به نافرمانی خداوند نشود؛ به عنوان مثال: اگر پدری فرزند خویش را و یا شوهری زنش را از خواندن نماز باز دارد، آنها تسلیم امر او نشده، نماز را ترک نگویند؛ زیرا خشنود ساختن خداوند، اصل و اساس است اما خشنود ساختن بندگان مشروط به این است که خدا ناراضی نشود؛ چرا که دل‌های مردم به دست خداوند است، اگر شما خاطر کسی را برای خشنود ساختن خداوند برنجانید، یقیناً خداوند او را از شما خشنود خواهد ساخت.

حدیث سی و سوم

۳۳- عن ابن عمر رضی اللہ عنہما أن رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم قال: «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلَاءً» [متفق عليه].

ترجمه: ابن عمر رضی اللہ عنہما ارشاد رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را نقل می کند که فرمود: خداوند به سوی کسی که از روی کبر لباسش را پایین می اندازد، نمی نگرد.

توضیح

تکبر و بزرگ منشی یکی از گناهان کبیره است که خداوند انسان ها را از آن برحذر داشته است؛ چراکه تکبر صفت مخصوص خداوند می باشد که از هرگونه عیب و نقص پاک است، اما آدمی که سراسر عیب و نقص است، کبر و بزرگی برآورده او نیست.

معمولاً، علم، نسب، قیافه و ثروت باعث تکبر می شود. تکبر یکی از آفت های اجتماعی است که ضرر و زیان بی شمار دارد. تکبر انسان را از مهر و محبت و ایثارگری باز می دارد. تکبر و خودستایی باعث کینه توزی، دشمنی و اختلاف می گردد.

در زمان جاهلیت، برخی از مردان لباس های خود را به طرز فاخرانه ای عریض و طویل می ساختند. رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم شدیداً از این عمل باز داشته و آن را علامت تکبر دانسته است.

در زمان حاضر نیز برخی از مردان، پاچه های شلوار خود را گشاد و دراز می دوزند، به طوری که روی زمین کشیده می شود، اگر کسی این کار را از روی تکبر و غرور انجام دهد، مورد خشم و نفرت الهی قرار می گیرد و خداوند، روز قیامت به سوی چنین شخصی نخواهد نگریست.

حدیث سی و چهارم

۳۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ» [صحيح مسلم].

ترجمه: کسی که همسایه‌اش از دست و زبان او در امان نباشد وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند. حق همسایه از جمله حقوقی است که اسلام به شدت در مورد رعایت آن، توصیه نموده است. کسی که همسایه و اطرافیان وی از گفتار و رفتارشان راضی باشند، یقیناً خداوند نیز از او راضی خواهد بود؛ چنان‌که در حدیثی آمده است: جنازه‌ای را برای تدفین می‌بردند، رسول اکرم صلى الله عليه وآله با تعدادی از یارانش نشسته بود، اطرافیان در مورد آن جنازه سخنان نیکی بر زبان آوردند، رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «وَجَبْتُ»؛ یعنی بر او واجب شد. در همین وقت جنازه‌ی دیگری را آوردند، اطرافیان رسول خدا صلى الله عليه وآله، از او به بدی یاد کردند، رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «وَجَبْتُ»؛ یعنی بر او واجب شد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا صلى الله عليه وآله! شما همین کلمه را در مورد فلان میت که ما از او به نیکی سخن گفتیم، فرمودید! رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: برای او بهشت و برای این، دوزخ واجب گردید؛ زیرا انسان هر طور که میان مردم باشد، نزد خدا نیز همان‌گونه خواهد بود.

حدیث سی و پنجم

۳۵- عن أبي طلحة رضی اللہ عنہ قال: قال النبي صلی اللہ علیہ وسلم: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرٌ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از ابوطلحه رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: فرشتگان در خانه‌ای که سگ و تصویر در آن وجود دارد، وارد، نمی‌شوند.

توضیح

باید دانست که در قدیم بت‌پرستان، نخست مجسمه و تصاویر بزرگان خود را به عنوان یادگار می‌ساختند، سپس اندک‌اندک با تلقین شیطان به عبادت آنها می‌پرداختند. و از آنجا که اسلام آئین یکتاپرستی و توحید است، با هر نوع پدیده‌ای که به نحوی یادآور شرک باشد، شدیداً مخالف است، از این رو در مورد مجسمه‌سازی و تصویرگری، وعیده‌های شدیدی بیان شده است.

برخی از علمای معاصر عکس‌هایی را که توسط دوربین عکاسی گرفته می‌شود، مجاز می‌دانند، ولی اکثر علما این‌گونه عکس‌ها را جزو همان تصاویر ممنوعه می‌شمارند و احتیاط نیز همین را تقاضا می‌کند، واللہ اعلم. پس در هر خانه‌ای که عکس یا مجسمه نگهداری می‌شود به ویژه اگر روی دیوار قاب شده باشند، فرشتگان رحمت وارد نمی‌شوند هم‌چنین در خانه‌ای که سگ نگهداری می‌شود، فرشتگان وارد نمی‌شوند؛ زیرا آنها مخلوقات مقدسی هستند و در چنین مکان‌هایی حضور نمی‌یابند؛ البته عکس گرفتن برای ضرورت و هم‌چنین نگهداری سگ جهت نگهبانی و برای محافظت گله گوسفندان، اشکالی ندارد.

حدیث سی و ششم

۳۶- عن أبي ذرٍّ رضی اللہ عنہ قال: قال لي النبي ﷺ: «لا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلْقٍ» [صحيح مسلم].

ترجمه: ابودر رضی اللہ عنہ ارشاد رسول اکرم ﷺ را نقل می کند که فرمود: عمل نیک هر چه باشد آن را کم و حقیر مپندار، حتی همین که برادرت را با چهره باز ملاقات نمایی.

توضیح

برخی از مردم تصور می کنند که کار خوب حتماً باید بر حسب ظاهر، خیلی چشم گیر باشد، حال آن که این تصور غلطی است؛ زیرا انجام هر کار خیر چه کوچک و چه بزرگ، توفیقی است از جانب خداوند، بنابراین نباید هیچ عمل نیکی را هر چند به ظاهر کوچک باشد، حقیر و اندک شمرد؛ به عنوان مثال: همین که شما با برادر مسلماتان با چهره باز ملاقات می کنید، ظاهراً کار ساده ای به نظر می رسد، ولی نزد خداوند، خیلی مهم و دارای اجر و پاداش است؛ چون شما با این کار، دل یک انسان را بدست آورده و شاد گردانیده اید، چنان که اگر با چهره ای خشن، با او رو به رو می شدید، یقیناً باعث رنجش خاطر او می شد. خداوند می فرماید: سخن نیک و پسندیده بهتر از صدقه ای است که منت و ایذا را در پی داشته باشد.

رسول خدا ﷺ نیز فرموده است: اگر شما نتوانستید به وسیله مال خود، صدقه بدهید، سخن نیک و برخورد خوب نیز صدقه است.

حدیث سی و هفتم

۳۷- عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الحُدُودَ، وَشَقَّ الجُيُوبَ، وَدَعَا بِدَعْوَى الجَاهِلِيَّةِ» [متفق عليه].

ترجمه: ابن مسعود رضی الله عنه می گوید، رسول اکرم ﷺ فرمود: کسی که [به هنگام مصیبت] به سر و صورت بزند و سینه چاک کند و سخنان جاهلانه بر زبان آورد، از ما نیست.

توضیح

انسان مسلمان و معتقد به دین و ایمان، همیشه به یاد خداوند بوده و در شادی و غم بر او تکیه می نماید. حصول شادی و نعمت و همچنین غم و مصیبت از طرف خداوند است؛ پس در همه حال باید خطا را در نظر گرفت. انسان باید قبل از وقوع مصیبت، آمادگی آن را داشته باشد؛ زیرا مصیبت خبر نمی کند که چه وقت فرا می رسد. برخی از انسان ها که انتظار هیچ گونه درد، رنج و مصیبتی را ندارند وقتی ناگهان با مصیبتی رو به رو می شوند کنترل خویش را از دست داده، شروع به داد و فریاد می کنند، سینه چاک داده، به سر و صورت خویش می زنند و سخنان جاهلانه بر زبان می آورند، خداوند این رفتار را نمی پسندد و سخت ناراضی می گردد. رسول خدا ﷺ از این گونه افراد اظهار برائت (بیزاری) نموده است.

شایسته است که انسان مؤمن، به وقت مصیبت، ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶] بگوید، و به ذکر خدا، نماز و دعا روی آورد، و بداند که خداوند بندگان را گاهی با غم و گاهی با شادی آزمایش می کند. وقتی طفل خردسال رسول خدا ﷺ وفات نمود، اشک از دیدگانش سرازیر شد، کسی پرسید: ای رسول خدا، شما نیز گریه می کنید؟ فرمود: این علامت

رحم و عطوفت است و آن چه ممنوع می‌باشد، بلند کردن صدا و زدن به سر و صورت است.

حدیث سی و هشتم

۳۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ» [متفق عليه].

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرمود: غنی بودن با کثرت مال و سرمایه نیست، بلکه غنای واقعی غنای قلب است.

توضیح

برخی می‌پندارند که غنا یعنی ثروتمند بودن، و کسانی که مال و ثروت ندارند، فکر می‌کنند، نمی‌توانند غنی باشند.

رسول خدا صلى الله عليه وسلم در این حدیث، توجه ما را به سوی امر مهمی جلب نموده و آن اینکه غنای واقعی با مال و ثروت کلان حاصل نمی‌شود، بلکه غنای حقیقی، غنای درونی و غنای قلب است. طبق این حدیث، تهی‌دستان نیز می‌توانند بزرگ‌ترین اغنیای روزگار باشند.

گاهی می‌بینیم که برخی از ثروتمندان، طوری وانمود می‌کنند که گویی از هیچ نعمتی برخوردار نیستند، نه آثار نعمت در زندگی آنها مشاهده می‌شود و نه از مال آنها به کسی خیری می‌رسد، همواره از تنگدستی می‌نالند، در مقابل، افراد مؤمنی را می‌بینیم که با داشتن کمترین امکانات زندگی، شکر خدا را به جای می‌آورند و هیچ‌گاه لب به شکوه نمی‌کشایند. خداوند چنین بندگان را دوست می‌دارد.

حدیث سی و نهم

۳۹- عن أنس بن مالك رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال: «لَعَدْوَةٌ، أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» [متفق علیه].

ترجمه: از انس رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: یک صبح یا شام «جهاد» در راه خدا بهتر است از «انفاق» تمام دنیا و هرآنچه در آن وجود دارد.

توضیح

هدف از خلقت آسمان‌ها، کهکشان‌ها، زمین و سایر موجودات معرفی الله و به عبارتی احقاق یگانه‌پرستی و توحید بوده است، جهاد نیز برای همین منظور فرض شده است. دعوت الی الله نیز راه خدا است؛ زیرا در آن، مردم به سوی توحید و عبادت خدای یکتا فرا خوانده می‌شوند. یک لحظه و یک ساعت در راه خدا، نعمتی بس بزرگ محسوب می‌شود و یک صبح و شام بیرون شدن در راه خدا، از انفاق دنیا و هر آنچه در آن، وجود دارد با ارزش‌تر است. برخی از علما این حدیث را مخصوص جهاد دانسته‌اند، و عده‌ای مصداق آن‌را وسیع‌تر نموده، هر عملی را که مخلصانه برای احیای دین الله انجام گیرد، راه خدا نامیده‌اند، والله اعلم.

حدیث چهلم

۴۰- عن عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال: «لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانٍ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابن مسعود رضی الله عنه می گوید، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت برای هر عهدشکن و خائنی پرچمی نصب می گردد و اعلام می شود که این است پرچم خیانت فلانی.

توضیح

وفا به عهد و امانت داری از صفات انبیا بوده و جزو خصلت های پسندیده نزد خداوند می باشند، چنان که عهدشکنی و خیانت، صفات نکوهیده و زشتی بوده و موجب ناخشنودی خداوند می شوند.
خداوند می فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴].

«به وعده هایتان وفا کنید؛ زیرا از شما در مورد عهد و پیمان سؤال خواهد شد».

هم چنین فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ [الحج: ۳۸].

«خداوند هر خیانت پیشه ناسپاس را دوست ندارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله، عهدشکنی را یکی از علایم نفاق دانسته است، هم چنین عهدشکنی و خیانت از علامت های قیامت شناخته شده اند.

متأسفانه در زمان حاضر، وفا به عهد و امانت داری از جمله صفات کمیاب بلکه نایاب تلقی می شوند، در حالی که در گذشته، مسلمانان بدون استثنا پایبند امانت داری و وفای به عهد بوده اند؛ ولی امروز کمتر کسی پیدا می شود که به این موارد پایبند باشد.

حدیث چهل و یکم

۴۱- عن أبي هريرة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «لَلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ أَحَدِكُمْ مِنْ أَحَدِكُمْ بِضَأَلَّتِهِ إِذَا وَجَدَهُ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت می کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوند با توبه یکی از شما، بیش تر خوشحال می شود، از آن کسی که گمشده ی خود را [در بیابان] بیابد.

توضیح

انسان فرشته نیست که خطا نکند و نه شیطان است که از خطای خویش نادم نشود. خداوند آن بنده ی خطاکار را دوست دارد که از خطای خود، نادم گشته، به سوی الله رجوع نماید.

گناه و معصیت مانند نقطه سیاهی بر دل نقش می بندد، و اگر پس از آن توبه و رجوعی در کار باشد، آن نقطه سیاه محو و زایل می گردد، در غیر این صورت نقطه های سیاه یکی پس از دیگری قلب را فرا گرفته و بر آن چهره می شوند. آن گاه از قلب سیاه، جز سیاهی و تباهی چیز دیگری عاید نمی شود.

توبه بر دو قسم است: یکی توبه از حقوق مردم و دیگری توبه از حقوق خداوند. شرط قبولیت توبه از حقوق مردم این است که اگر مالی بر عهده او است، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر به حیثیت و آبروی کسی تعرض نموده است باید از او حلالی بطلبد. و توبه از حق خدا بدین صورت است که نخست دست از معصیت بردارد و پشیمان گردد و قطعاً تصمیم بگیرد که دوباره به آن گناه روی نیاورد. و اگر فرضی را ترک نموده است، استغفار کند و سعی نماید آن را با نوافل جبران نماید.

حدیث چهل و دوم

۴۲- عن عائشة رضي الله عنها عن النبي ﷺ قال: «مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللَّهَ

فَلْيُطِيعْهُ، وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعِصِيَ اللَّهَ فَلَا يَعِصِهِ» [صحيح بخاری].

ترجمه: عایشه رضی الله عنها ارشاد رسول اکرم ﷺ را نقل می کند که فرمود: هرکس نذر نمود که کار نیکی انجام دهد، پس آن را انجام دهد و اگر نذر به انجام کاری کرد که موجب نافرمانی خداوند می گردد، آن را انجام ندهد.

توضیح

نذر بر دو قسم است: نذر جایز و نذر ناجایز.

نذر جایز این است که شخص به صورت غیر مشروط بگوید: من فلان مبلغ را در راه خدا انفاق می کنم، یا این که بر من است که چند روز روزه بگیرم. و نذر ناجایز این است که شخصی بگوید: اگر خداوند فرزند بیمارم را شفا بدهد، من فلان مبلغ را انفاق می کنم یا این که چند روز، روزه می گیرم؛ البته عمل کردن به مقتضای هردو نذر لازم و ضروری است؛ مگر این که نذر معصیتی باشد؛ به طور مثال کسی بگوید: اگر کار من درست بشود، من این مقدار شراب تقسیم می کنم، یا اگر فلان کار درست نشود، من با فلانی قطع رابطه می کنم، همه این گونه نذرها، نذر به معصیت بوده و ناجایز است. هم چنین اگر کسی سوگند بخورد که معصیتی مرتکب بشود، انجام آن معصیت جایز نخواهد بود، بلکه پرداخت کفاره لازم می گردد.

حدیث چهل و سوم

۴۳- عن جریر بن عبد الله رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ

لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ (عزوجل)» [صحيح مسلم].

ترجمه: هرکس به مردم رحم نکند، خداوند ﷻ نیز او را مورد رحمت قرار نمی‌دهد.

توضیح

رحم، عطوفت و مهربانی از صفات الهی به شمار می‌روند. خداوند بنده‌ای را که به هم‌نوعان خود، رحم و عطوفت داشته باشد، دوست می‌دارد و بندگان سخت‌دل و فاقد رحم و شفقت را دوست نمی‌دارد.

در حدیثی دیگر رسول خدا ﷺ می‌فرماید: بر اهل زمین رحم کنید، تا اهل آسمان بر شما رحم نماید. رسول خدا ﷺ حتی در مورد رفتار شفقت‌آمیز با حیوانات توصیه کرده است.

و در حدیثی آمده است که، زنی اهل طاعت و عبادت که با تشنه و گرسنه نگه داشتن گربه‌ای باعث مرگ او شده بود، وارد دوزخ گردید و شخص دیگری به خاطر آب دادن سگ تشنه‌ای، به بهشت راه یافت.

کسانی که به دیگران رحم می‌کنند، پاداش آن‌را، هم در دنیا و هم در آخرت خواهند دید، اما کسانی که بر بندگان خدا ترحم ندارند، نتیجه‌ی کردار خویش را در دنیا قبل از آخرت خواهند یافت و در آخرت نیز خداوند، در حق انسان‌های بی‌رحم و بی‌شفقت، کوچک‌ترین ترحمی نخواهد کرد.

حدیث چهل و چهارم

۴۴- عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما عن النبي ﷺ قال: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا

السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا» [متفق عليه].

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: هرکس علیه ما (مسلمان‌ها) اسلحه بدست گیرد، از ما نیست.

توضیح

بدست گرفتن سلاح جز برای جهاد در راه خدا و حفاظت جان و مال خویش و یا برای تمرین، جایز نیست.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: کسانی که علیه مسلمانی، چه برای گرفتن مالش و چه برای ریختن خونش، اسلحه بدست می‌گیرند، از ما نیستند؛ یعنی مسلمان نباید به خود جرأت چنین کاری را بدهد.

امروز متأسفانه برخی که خود را مسلمان می‌دانند، اسلحه بدست گرفته، برای غارت مال برادران مسلمان خویش، گردنه‌ها را می‌گیرند و بدون ترس از خدا به راه‌زنی و خونریزی دست می‌زنند. برخی دیگر نیز در درگیری‌های فامیلی بدون در نظر گرفتن حق، اقدام به قتل برادر مسلمان خویش - که جرمش تنها این است که از فلان فامیل متولد شده است - می‌کنند. این‌گونه افراد باید متوجه باشند که رسول خدا ﷺ از آنان اظهار بیزار می‌نموده و در قیامت عذاب دردناکی در انتظار آنان است.

حدیث چهل و پنجم

۴۵- عن أبي مسعود الانصاریؓ قال قال رسول الله ﷺ: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ

كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابومسعود انصاریؓ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: کسی که دیگران را به انجام عمل خیر راهنمایی کند به او نیز پاداشی برابر با پاداش انجام‌دهنده آن کار خیر، تعلق خواهد گرفت.

توضیح

خداوند حکیم و مهربان در انتظار اعمال نیک بندگان است؛ هر عمل نیک، خواه کوچک یا بزرگ، نزد الله تعالی پرورش داده شده و بزرگ

می‌گردد؛ البته می‌دانیم که کیفیت اعمال نزد خداوند، مطلوب است نه کمیت آنها.

شما اگر توان انفاق، صدقه، جهاد و فراگرفتن علم را ندارید، راحت می‌توانید با راهنمایی و تشویق کردن دیگران، از ثواب این اعمال برخوردار گردید. اگر با تشویق شما کسی به حج رفت، به شما نیز ثواب یک حج کامل می‌رسد و اگر با راهنمایی شما، فردی عالم و دانشمند شد و به نشر قرآن و سنت پرداخت و شاگردانی را تربیت کرد و به جامعه تحویل داد، شما نیز همانند او مستحق اجر و پاداش می‌گردید. به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر سر لوحه‌ی همه کارها و شغل انبیاست و خداوند این امت به خاطر آن، از بین سایر امت‌ها برگزیده است.

حدیث چهل و ششم

۴۶- عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْحَجَّارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِّثُهُ» [متفق عليه].

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: جبرئیل الکلیل همواره مرا در حق همسایه توصیه می‌کرد، تا جایی که گمان بردم حتماً او را شریک میراث قرار خواهد داد.

توضیح

انسان موجودی اجتماعی است که نمی‌تواند تنها زندگی کند، و چاره‌ای جز این که در کنار هم‌نوعان خود باشد، ندارد. خداوند در کلام خود، در مورد رعایت حق همسایه بارها سخن به میان آورده است. رسول خدا ﷺ نیز در این مورد تأکید فراوان داشته است.

خشنود بودن همسایه از همسایه خویش، علامت ایمان است. بدترین خیانت، خیانتی است که در حق همسایه انجام گیرد. رسول خدا ﷺ از زیستن در کنار همسایه بد، بر حذر داشته است. هم‌چنین فرموده است: هرگز کسی که با شکم سیر می‌خوابد و همسایه‌اش شب را گرسنه سپری می‌کند، مسلمان گفته نمی‌شود؛ بر همین اساس، رسول خدا ﷺ توصیه می‌نمود که، آب خورش را به خاطر همسایه بیشتر کنند.

و در این حدیث رسول خدا ﷺ می‌فرماید: جبرئیل علیه السلام به قدری نزد من می‌آمد و در مورد حق همسایه تأکید می‌کرد که فکر کردم سرانجام، خداوند همسایه را شریک ارث قرار خواهد داد.

حدیث چهل و هفتم

۴۷- عن عائشة قالت قال رسول الله ﷺ: «الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِيسَ تَوْبِي زُورًا» [متفق علیه].

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: وانمود کننده به داشتن چیزی که در واقع آن را ندارد، مانند کسی است که لباسی دروغین بر تن کرده است.

توضیح

فریب‌کاری و تزویر از نظر اسلام امر ناپسندیده‌ای است. انسان مسلمان مجاز نیست که وانمود به داشتن چیزی نماید که آن را در اختیار ندارد. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که با مسلمانان فریب‌کاری کند از ما نیست. شاید به همین جهت استفاده از رنگ سیاه برای سر و صورت جایز نیست؛ زیرا چهره اصلی آدمی را می‌پوشاند و او را جوان‌تر از آن چه هست، نشان می‌دهد.

برخی سعی می‌کنند خود را ثروتمند یا دانشمند و ... جلوه دهند، حال آن‌که در واقع این‌گونه نیستند. این کار از نظر شرع نوعی فریب‌کاری محسوب می‌شود؛ البته از بندگان فقیری که تن به ذلت نمی‌دهند و با آن‌که نیازمند می‌باشند، دست تکدی پیش این و آن دراز نمی‌کنند، ستوده شده است؛ ولی نباید انسان ادعای چیزی را که ندارد، چه در امور مادی و چه در امور معنوی بنماید. کسی که چنین کند به مثابه شخصی است که لباس فاخرانهٔ دیگران را به تن کرده و طوری در انظار مردم وانمود می‌کند که گویی این لباس از آن او است.

حدیث چهل و هشتم

۴۸- عن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» [صحیح مسلم].

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوند به جسم‌ها و قیافه‌های شما نمی‌نگرد؛ بلکه به دل‌های شما نگاه می‌کند.

توضیح

رسول خدا ﷺ در جایی دیگر فرموده است: در وجود آدمی، قطعه گوشتی است که اگر پاک و سالم باشد، تمام وجود انسان پاک و سالم می‌گردد و اگر ناپاک و فاسد شود، تمام وجود، ناپاک و فاسد می‌گردد و آن قطعه گوشت، قلب انسان است.

خداوند می‌فرماید: «روز قیامت نه مال و نه فرزندان برای انسان سودی نخواهند داشت، بلکه در آن روز آن کسی نجات خواهد یافت که قلبی سالم با خود بیاورد». قلبی که تهی از شرک، بدعت، کینه و حسادت باشد.

خداوند، انسان را با قلبی پاک و شفاف به دنیا فرستاده است و سرانجام برای ورود به بهشت نیز قلب پاک و شفاف می‌خواهد. و اگر کسی در دنیا آئینه‌ی قلب خویش را با گناه و معصیت آلوده است، باید قبل از مرگ آن را با توبه و استغفار صیقل دهد، در غیر این صورت آتش دوزخ آن را صیقل خواهد داد.

حدیث چهل و نهم

۴۹- عن أبي موسى رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا - وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» [متفق عليه].

ترجمه: ابو موسی اشعری رضي الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: مثال مؤمنان با یکدیگر مانند ساختمانی است که هر جزئی از آن توسط اجزای دیگر نگهداری می‌شود، سپس ایشان انگشتان دستانش را در هم فرو برد.

توضیح

از حسن بن علی رضي الله عنه منقول است که فرمود: «الحياة عقيدة و جهاد»، «زندگی یعنی عقیده و جهاد.»

انسان‌ها را عقیده و آرمان گرد هم می‌آورد، نه هر چیزی. ایمان پیوند محکم و ناگسستنی است که انسان‌ها را از قبایل و رنگ‌ها و لهجه‌های مختلف با هم مرتبط می‌سازد، و هیچ پیوند دیگری کارایی پیوند ایمانی را ندارد.

رسول خدا صلى الله عليه وآله افراد مختلف جامعه اسلامی را به ساختمانی محکم تشبیه نموده که از خشت‌های متفرق ساخته شده است و هر یک از آن خشت‌ها با پیوند به یکدیگر باعث استحکام ساختمان شده‌اند.

حدیث پنجاهم

۵۰- عن أبي هريرة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: «بَدَأَ الْإِسْلَامَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ» [صحيح مسلم].

ترجمه: ابوهریره رضی اللہ عنہ می گوید، رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: اسلام در ابتدا غریب و بیگانه بود و در آخر نیز به همان صورت نخست غریب خواهد شد، پس مژده باد غربا را.

توضیح

روزگاری که کفر و جهالت جهان را فراگرفته بود و ظلم بیداد می کرد و خدای یگانه به فراموشی سپرده شده بود و در خانه‌ی مخصوص الله (کعبه) بت‌های بی‌شمار پرستش می شد، شخصی از تبار قریش به نام محمدبن عبدالله صلی اللہ علیہ وسلم از میان سنگلاخ‌های مکه سر بر آورد و فریاد زد: «قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا»، «ای قوم من! لا اله الا الله بگوئید تا رستگار شوید.» قوم به جای شنیدن و پذیرفتن، او را به باد مسخره گرفتند و ساحر و شاعر لقبش دادند و تهدیدش نمودند؛ اما پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نترسید و سست نشد و دست از دعوت خویش بر نداشت، بلکه استقامت ورزید و مشقت‌ها را با جان و دل پذیرفت.

سرانجام، جهان به تدریج در مقابل او سر تسلیم فرو آورد و آن مرد غریب با دین غریبش دنیا را در دست گرفت.

عرب و عجم تسلیم دین او شدند و اصحابش روم را به تصرف خویش درآوردند و یوزه امپریالیسم ایران را به خاک مالیدند و بر ویرانه‌هایش کاخ رفیع یکتاپرستی و عدالت بنا نهادند.

در حدیث فوق رسول اکرم ﷺ پیش‌بینی می‌کند که روزگاری فرا خواهد رسید که دین به همان شکل اولیه، غریب و بی‌کس می‌شود و فقط عده‌ای غربا کار نشر و احیای دین را به عهده خواهند داشت. در حدیثی دیگر فرمود: غربا کسانی هستند که آنچه را دیگران از سنت من تحریف نموده‌اند، اصلاح می‌نمایند. قطعاً امروز غربا کسانی هستند که حاملان و داعیان توحید و سنت صحیح رسول الله ﷺ می‌باشند و از هر سو مورد ظلم و تعرض قرار می‌گیرند.